



هفته کارگر؛

نمایشی عوام فریبانه برای پایمال کردن روز کارگر



صادق کار

اعلام هفتهی کارگر، منظور حکومت را برآورده کنند. زیارت قبر اهل قبور، دیدار با رهبری، «بیعت با آرمانهای، امام راحل» انتخاب کارگر نمونه و کارهایی از این دست جزء مراسمهای همیشگی هفتهی کارگر توسط ابادی حکومت بود و هنوز نیز چنان که در مصاحبهی قائممقام وزیر کار آمده، تغییر چندانی نکرده است.

از سال ۸۰ به بعد، پس از آن که کنترل تجمعات خیابانی چند بار از دست خانه کارگریها خارج شد و کارگران به جای شعارهای رسمی، مطالبات واقعیشان را فریاد کردند، راهپیمایی خانهی کارگر منوط به اجازهی وزارت کشور شد. و روز کارگر به خاطر نگرانی از افتادن کنترل جمعیت به دست مخالفان، معمولاً در فضاهای بسته و تحت کنترل نیروهای امنیتی انجام می‌گرفت.

محتوای قطعنامه‌ها هم معمولاً، تا زمان خاتمی و آغاز رانده شدن تدریجی خانهی کارگر از قدرت، مشابه و مملو از تمنا و دعا و ثنای سران نظام بود. از آن به بعد اما لحن قطعنامه‌ها شروع به تغییر کرد و اندکی حالت صنفی پیدا کرد. امسال اما، حتی اجازهی اعلام برنامهی مراسم هفتهی کارگر نیز از خانهی کارگر سلب شد و قائممقام وزارت کار اعلام آن را به عهده گرفت و تنها وظیفهی تشریح برنامه به عهدهی محجوب قرار گرفت.

بنا به گزارش «ایلنا»، ابوالحسن فیروزآبادی، قائممقام وزیر کار، روز اول اردیبهشت در یک نشست مطبوعاتی برنامهی هفتهی کارگر امسال را برای خبرنگاران اعلام کرد.

به گفتهی این مقام دولتی، هفتهی کارگر از ۵ اردیبهشت با رفتن مسئولین دولتی و «نمایندگان تشکلهای کارگری» به مرقد خمینی و تجدید بیعت و زیارت آغاز می‌شود. بیعت با شهدا، ملاقات وزیر کار با علمای قم برای گرفتن رهنمود از علما، ملاقات

فشار کارگران و نیروهای چپ و ترقی‌خواه برای قانونی کردن روز جهانی کارگر، و تعطیل کردن این روز و انجام راهپیمایی‌های میلیون‌ریز روز کارگر در سال‌های نخست انقلاب، سرانجام مؤثر واقع شدند و حکومت را بر آن داشت تا علی‌الحساب این مطالبه را بپذیرد و آن را در قانون کار ملحوظ کند.

البته خواست کارگران تعطیل عمومی این روز بود، ولی حکومت -آن هم به سختی- تنها با تعطیلی کارگران در روز کارگر موافقت کرد و عملاً کارمندان و کارکنان ادارات و مؤسسات را که جزء مزدبگیران هستند از شمول این قانون مستثنی نمود. قصد از این ترفند، ایجاد جدایی میان کارگران پدی و فکری و تضعیف همبستگی جنبش مزدبگیران بود.

با این وصف اما چون حکومت مایل به رعایت همین قانون هم نبود، در صدد بر آمد مانع برگزاری این روز توسط کارگران شود. ولی در آن زمان چون جنگ هشت ساله در جریان بود و حکومت هم به کشاندن کارگران به جبهه‌ها و تداوم تولید و حفظ آرامش در واحدهای تولیدی نیاز داشت، مزورانه کوشید با حفظ ظاهر، هم این روز را از محتوا خالی کند و هم با کمک خانهی کارگر وابسته به خودش، از مراسم روز کارگر علیه حق و حقوق کارگر و در جهت منافع و امیال حکومت بهره بگیرد.

با این ترفند پلید، «هفتهی کارگر» به جای «روز کارگر» نشانده شد تا به جای یک روز، هفت روز از کارگر سوءاستفاده شود و ضمناً چنین تبلیغ کنند که گویا روز و حقوق کارگر نزد حکومت اسلامی چنان اهمیت دارد که به جای یک روز مرسوم در دنیا، در ایران هفت روز برای کارگر مراسم می‌گیرند!

از این رو همه ساله تنها به خانهی کارگر، اجازه داده می‌شد تا با



سرزدهی وزیر کار از دو واحد کارگری، ملاقات با رهبری و چند اقدام دیگر از این قبیل، جزو این برنامه‌ها هستند.

اما مضحک‌تر و بی‌مسما تر از همه‌ی این اقدامات، اعلام روز دوشنبه هفت اردیبهشت به عنوان «روز فرهنگ، امید و نشاط» است. با این همه فقر و فلاکتی که به کارگر تحمیل کرده‌اند و با این همه نارضایتی و اعتصابی که سراسر کشور را فراگرفته و بانگ «ما گرسنه‌ایم» کارگرانی که ماه‌هاست حقوق نگرفته‌اند، از هر سوی مملکت بلند است، اعلام «روز نشاط»، چیزی جز ردالت و بی‌شرمی نیست.

در این مصاحبه، قائم مقام وزارت کار، بعد از این همه تشریفات که هیچ‌کدام ربطی به کارگر و حقوق کارگر ندارد و مصداق ضرب‌المثل «آفتابه و لگن هفت دست، شام و نهار هیچ» است، در این باره که بالاخره اجازه‌ی راهپیمایی به کارگردان داده خواهد شد یا خیر، کلامی نمی‌گوید!

اما از طرف دیگر، سخن‌گوی دولت در رابطه با دادن یا ندادن اجازه‌ی راهپیمایی به کارگران در ماه می امسال گفته است: "تا جایی که به یاد دارم، هر سال کارگران در محلی همایش‌های خود را برگزار می‌کنند و به شکل رسمی و قانون‌مند مطالبات خود را بیان می‌کنند، اما تاکنون وزارت کشور گزارشی در مورد تجمعاتی به غیر از این به هیات دولت نداده است، در این مورد از آقای رحمانی فضلی وزیر کشور سوال خواهم کرد". و این دوبله‌گویی یک مقام دولتی، این ظن را که دولت تمایلی به راهپیمایی کارگران ندارد، تقویت می‌کند.

ضمن این‌که در این نشست مطبوعاتی، قائم‌مقام وزیر کار بعد از این همه تشریفات که هیچ‌کدام ربطی به کارگر و حقوق کارگر ندارند، و مصداق ضرب‌المثل «آفتابه و لگن هفت دست، شام و نهار هیچ» است، در این باره که بالاخره اجازه‌ی راهپیمایی به کارگران داده خواهد شد یا خیر، کلامی نمی‌گوید! هرچند از این سخن ایشان که می‌گوید "تا جایی که به یاد دارم، هر سال کارگران در محلی همایش‌های خود را برگزار می‌کنند و به شکل رسمی و قانون‌مند مطالبات خود را بیان می‌کنند، اما تاکنون وزارت کشور گزارشی در مورد تجمعاتی به غیر از این به هیات دولت نداده است، در این مورد از آقای رحمانی فضلی وزیر کشور سوال خواهم کرد"، این ظن را که دولت تمایلی به راهپیمایی کارگران ندارد، تقویت کرد.

از این‌ها گذشته، با وجود این همه اعتصاب و اعتراض کارگری که هم‌اکنون جریان دارد و نشانه‌ی سلب اعتماد کارگران و سایر مزدبگیران از دولت است، بسیار بعید است که وزارت کشور حتی به خانه‌ی کارگر اجازه‌ی راهپیمایی خیابانی بدهد. سپردن غیر متعارف مسئولیت مراسم دولتی روز کارگر به قائم‌مقام وزیر کار نیز گویای آن است که دولت قصد چنین ریسکی را ندارد.

آثار این نگرانی را به وضوح در موضع‌گیری علی‌رضا محبوب دبیرکل «خانه‌ی کارگر» که تحت عنوان "دبیرکل خانه‌ی کارگر برنامه‌های گرامی‌داشت هفته‌ی کارگر را تشریح کرد"، بازتاب یافت، می‌توان شناسایی کرد.

او در مصاحبه با «ایلنا» محافظه‌کارانه‌تر از گذشته برخورد کرد. رییس فراکسیون کارگری مجلس شورای اسلامی که در این مصاحبه سعی کرد کارگران مهاجر را عامل بیکاری کارگران ساختمانی جا بزند و سمت نارضایتی کارگران از دولت را بخشاً به کانال انحرافی هدایت کند، در بخشی از سخنان خود گفت: "به واسطه‌ی سهل‌گیری‌هایی که در رابطه با حضور اتباع غیر ایرانی فاقد مجوز در ایران صورت گرفته است، اکنون سال‌هاست که شمار قابل توجهی از این افراد خواسته و ناخواسته باعث برهم خوردن رابطه‌ی عرضه و تقاضا در بازار کار شده‌اند".

محبوب در همین مصاحبه در مورد نقش وزیر کار در جلوگیری از افزایش مناسب دستمزد آشکارا دروغ گفت و خلاف گزارش‌های منتشره، گناه را تنها به گردن کارفرمایان انداخت و یادش رفت که رفقای خودش رسماً نوشتند که کارفرمایان در نهایت به وزیر کار وکالت دادند که از طرف آنان با کارگران مذاکره کند.

او تلویحاً محاکمات فعالین کارگری را تایید نمود و گفت: "البته این که محاکم غیر تخصصی به دلیل نداشتن اطلاعات از مقررات کار و تامین اجتماعی نمی‌توانند مرجع مناسبی برای رسیدگی به اختلافات روابط کار باشند، نقد بجایی است که باید نمایندگان مجلس برای برطرف کردن آن بکوشند اما مادامی که این اتفاق نیفتاده باشد نمی‌توان از دستگاه قضایی توقع داشت که به چنین پرونده‌هایی رسیدگی نکند". محبوب در مورد اصلاح بیمه‌ی بیکاری، شورای نگهبان را مقصر خواند و در مورد عدم تامین امنیت شغلی مجلس را...

مجموع این موضع‌گیری‌ها و اقدامات نشانه‌ی بارز نگرانی از تشدید اعتراضات کارگری و سرریز شدن کاسه‌ی صبر کارگران است. محبوب با وقوف به این مسئله، در مصاحبه‌ی خود سعی دارد وزیر کار را از زیر فشار خارج کند. آری وقتی بحران حاد می‌شود، پنهان کردن نقش و چهره از اذهان دیگر آسان نیست.

روز کارگر قانونی است و کارگر باید بتواند در روز خودش به خیابان بیاید. حتی اگر روز کارگر قانونی هم نبود، چون حق



است، کارگران حق دارند تجمع و تظاهرات کنند و مطالباتشان را مطرح و برای دست یافتن به آنها تلاش کنند.

خانه‌ی کارگر با وجود این که وابسته به حکومت است نیز، مشروط بر آن که برای خود حق انحصاری قائل نشود، حق دارد تظاهرات داشته باشد.

سایر تشکلهای صنفی نیز باید از این حق بهره‌مند شوند و تصمیم‌گیری در مورد شرکت در این یا آن مراسم را باید به خود کارگران سپرد. اما قائم مقام وزارت، کار و هیچ مرجع دولتی و کارفرمایی دیگری حق تعیین خط مشی برای تشکلهای و فعالیت‌های تشکیلاتی کارگری و حق دخالت در اموری را که مربوط به خود کارگر است ندارند.

فعالان اتحادیه‌ای در طبقه‌ی کارگر شیوه‌ی سازماندهی کارگران را حول خطوط زبانی و قومی تثبیت نموده‌اند. در شرایط مشخص پاکستان شاید تشکل حول این محورها مناسب‌ترین (یا تنها) راه برای جمع کردن کارگران باشد. قیام استقلال پاکستان، کشوری برای مسلمانان جنوب آسیا، تنها راهی است که هویت طبقه‌ی کارگر پاکستان از کانالی غیرطبقه‌ای قابل تعریف است.

کارگران کشاورزی مسلمان و بی‌زمین، به ویژه در مناطق شرقی هند، جنبش استقلال پاکستان را به عنوان مبارزه علیه استثمار و بندگی برگزیدند. برای مسلمانان هند، که در دهه‌ی ۱۹۴۰ از استقلال پاکستان دفاع می‌کردند، پاکستان اتوپیای طبقه‌ی کارگر زراعی و صنعتی بود. همبستگی طبقه از جمله همبستگی طبقه‌ی کارگر با همبستگی بر اساس قومیت، زبان، ملیت و سایر هویت‌های غیر طبقه‌ای هم‌پوشی دارد.

بررسی اقتصاد سیاسی ناظر بر بازنگری در گزاره‌ی هویت غیر طبقه‌ای، نیاز به توجه خاص به شرایط خاصی دارد که این مشخصه‌ها به توان هویت ناشی از طبقه می‌افزایند یا از آن می‌کاهند. کافی نیست فقط به اثر منفی این مشخصه‌ها نگریست.

کارگران پاکستان، گاه با بیشترین تاثیر، توانسته‌اند حول مشخصه‌های قومی، جنسیتی، زبانی و مذهبی بسیج نیرو کنند. این هویت‌های غیرطبقه‌ای تشکل و بسیج زحمت‌کشان برای عمل جمعی را تسهیل نموده‌اند.

همبستگی اجتماعی بر اساس این هویت‌ها توانمند بوده

از تجربه دیگران

تشکلهای کارگری در پاکستان

بدون هیچ نقشی در روند سیاسی

کریستوفر کاندلند Christopher Candland
ترجمه‌ی گودرز

طبقه و سایر هویت‌های کارگری

در بسیاری از مناطق آسیای جنوبی، کارگران مایل‌اند که بر اساس ایدئولوژی سیاسی متشکل شوند. در پاکستان اما اتحادیه‌های بزرگ صنفی عمدتاً حول اشتراک زبانی و قومی تشکیل شده‌اند. بنابراین می‌توان شاهد بود که قومیت، زبان و مذهب توان پایه‌های قدرت اجتماعی را برای بسط حرکت‌های کارگری به گستره‌ی ملی یک جنبش فراگیر طبقه‌ی کارگر در پاکستان محدود نموده‌اند.



از این رو کارگران انتظار یک جنبش کارگری دموکراتیک را ندارند بلکه منتظرند رهبرشان کار تولید کند و آن را به آنان عرضه نماید.

سرعتی که با آن پاکستان به وجود آمد و مشروعیت ایدئولوژیکی که تاسیس آن را مسجل نمود، به ویژه جابه‌جایی ۱۲ میلیون نفر و تبلیغ ایدئولوژیک مذهبی تحت‌الحمایه‌ی دولتی، مانع بزرگی را بر سر راه تشکیل‌های کارگری قرار داد. روابط فئودالی و کنترل قانونی دولتی فعالیت اتحادیه‌های صنفی را محدود کرد. چپ هم غیرقانونی بود و از درون دودستگی داشت.

ضعف تشکیل‌های کارگری در پاکستان ممکن است زیاده از حد تعیین کننده تلقی شده و برای آن دلایلی بیش از نیاز واقعی ارائه شده باشند. اما عامل عمده و تعیین کننده ریشه در قدرت مرکزی و اعمال سرکوب‌گرانه‌ی اقلیت حاکمی دارد که دولت را کنترل می‌کنند.

مانع اصلی بر سر راه نمایندگی کارگران در صحنه‌ی سیاسی در وجود حاکمانی نهفته است که بیش از اندازه از حفظ امنیت خود دلوپس‌اند. این هراس منجر بدان شد که حاکمان قوانین استعماری را حفظ کنند، به ائتلاف‌های بین‌المللی ضد کمونیستی بپیوندند و ایدئولوژی‌های اقتصادی نئوکلاسیک را به کار گیرند.

مخالفت اقلیت حاکم -نخبگان اداری و نظامی - با تشکیل‌های کارگری برای درک این نکته که چرا شناسه‌های طبقاتی، با وجود اهمیت‌شان در روابط هرروزه‌ی اجتماعی، قابل انطباق به سیاست معمول در پاکستان نیستند، دارای اهمیت مرکزی است.

رهبران کارگری پاکستان و محققان این زمینه، در این دیدگاه هم‌نظرند. من نیز از سال ۱۹۹۱ با ده‌ها اتحادیه‌ی کارگری در پاکستان مصاحبه کرده‌ام و از متن ده‌ها مصاحبه‌ی دیگر با رهبران اتحادیه‌ای در سال ۱۹۷۳ استفاده کرده‌ام و اخبار بسیاری در باره‌ی اتحادیه‌های کارگری را از طریق روزنامه‌های پاکستانی که از سال ۱۹۴۷ منتشر شده بررسی نموده‌ام.

ماحصل کار این که من هم بعد از بیش از یک دهه تحقیق از نزدیک و تماس با صدها کارگر و تشکل کارگری، به همان نتیجه رسیدم.

وگاه بسیج حول شناسه‌های مرسوم طبقاتی، کمکی به ایجاد نفوذ سیاسی و هم‌بستگی وسیع‌تر طبقاتی نکرده است.

چرا قومیت، زبان و مذهب چنین جایگاه مهمی در تشکیل‌های کارگری پاکستان یافته است؟ ساکنان محلات کارگری پاکستان، هم‌چون سایر نقاط آسیای جنوبی، برای تسهیل خدمات عمومی، رابطه‌ی سالم با پلیس و عرضه‌ی کار، به واسطه‌های گوناگون در محل نیاز دارند. در این جوامع این واسطه‌ها مشخصاً بر اساس اشتراکات قومی، زبانی و مذهبی شکل گرفته‌اند و آنان را نمایندگی می‌کنند.

حتی اشتغال هم بر همین اساس، از طریق کارفرمایان، مقاطعه‌کاران و میانجی‌های خاص هر گروه قومی- زبانی به وجود آمده و عرضه شده‌اند. مذاکره برای کار، مزد و سایر امور هم بین کارگران و کارفرمایان بر اساس همین کانال‌های قومی- زبانی صورت می‌گیرد. به همین دلیل کارگران یک قوم، زبان، جنس و مذهب تشکیل‌هایی بر اساس همین شناسه‌ها به وجود می‌آورند.

سپس همین شاخصه‌های محلی تقویت شده و به سطوح سیاسی منتقل می‌شوند؛ جایی که نخبگان سیاسی به بهترین شکل می‌توانند آن‌ها را به رقابت‌های قومی ارتقاء دهند. پس هویت طبقاتی زحمت‌کشان در سطوح محلی منحرف شده و در اختلافات و رقابت‌های قومی در سطح سیاست ملی انعکاس می‌یابد.

در جهت معکوس هم دولت مرکزی از طریق «پایه‌های دموکرات» در دوران مارشال ایوب خان در دهه‌ی ۱۹۶۰، «کمیته‌های ذکات» در دوران ژنرال ضیاءالحق در دهه‌ی ۱۹۸۰ و «مشاوران اتحاد» در دوران ژنرال پرویز مشرف، سازوکار سیاست محلی را شکل داده است.

دلالت‌های کاربایی هم بالطبع عامل قدرت دولت در سطوح پایین‌اند. از این رو حتی تدوین حقوق کارگران، از مزد و سایر مزایا تا پرداخت به موقع حقوق، به تحکیم سازماندهی غیر رسمی اداری عمدتاً فئودالی پاکستان کمک می‌کند.

از آنجایی که فعالیت کارگری در روابط صرف قومی ظاهر می‌شود، رابطه‌ی رییس- مرئوس سازوکار رهبری را هم تبیین می‌کند. رهبران معمولاً کارگران را نه به عنوان متحد سیاسی بلکه با نگاه مشتری می‌نگرند. اتحادیه‌ها نیز عمدتاً مخلوق رهبرانی‌اند که دنباله‌روان زیادی در میان قوم خود دارند.



اخبار خارجی:

اعلامیه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه‌های کارگری

به مناسبت روز اول ماه می ۲۰۱۵

جهان نیازمند یک مدل کسب و کار جدید است



برای کارگران و خانواده‌هاشان این وضع دیگر بس است. ۹۴ درصد مردم خواهان تضمین حق کار به عنوان پایه‌ای برای تجارت جهانی‌اند. ۹۴ درصد مردم خواهان مقررات محکم‌تر برای حساب‌رسی از کار شرکت‌ها و دستمزد و شرایط کاری بهتراند. ۸۸ درصد مردم خواهان افزایش جهانی دستمزد حداقل‌اند.

امسال در روز یک ماه می ۲۰۱۵ حرص شرکت‌ها به محاکمه کشیده خواهد شد و کارگران مدل کنونی کسب و کار را مدلی اخلاقاً ورشکسته اعلام خواهند کرد.

ما، خطاب به رهبران جهان، از آنان می‌خواهیم که حاکمیت قانون را متحقق و به آن عمل کنند. هرگاه هر ملتی دیدبان مسئولیتی باشد که بنگاه‌های کسب و کار آن در داخل و خارج به عهده دارند، آن‌گاه می‌توان به حرص آنان خاتمه داد و امکانی فراهم آورد تا اقتصاد جهانی، به جای کار برای تنها یک درصد ثروتمندترین کسان، برای بسیاری کسان کار کند.

اگر حکومت‌ها بر پایه‌ی اصل آزادی تشکل، به دفاع از تقویت نهادهای بازار کار برخیزند، که ضامن توزیع عادلانه‌ی ثروت از طریق حداقل دستمزد آبرومندانه و قراردادهای کار دسته جمعی‌اند، آن‌گاه می‌توان حرص شرکت‌ها و نابرابری‌ها را مهار کرد. او به کوتاهی افزود: «ما نامه‌ای از کنگره‌ی اتحادیه‌ی کارگری دریافت نکرده‌ایم و ما به آن‌ها اطمینان داده‌ایم که قطعاً وقتی نامه‌شان را دریافت کنیم، به گفت‌وگویی دوستانه با آنان اقدام خواهیم کرد.»

قابل ذکر است که در جریان برگزاری روز اول ماه می در سال گذشته در سالسین، که ممنوع اعلام شده بود، ماریو ماسوکو، رییس کل جنبش دموکراتیک متحد مردم و ماکسول دلامینی، رییس سابق دانشگاه سوازیلند توسط پلیس بازداشت شدند. بازداشت این دو تن به اتهام «بیانات فتنه‌انگیز» صورت گرفت.

از سال ۱۹۸۰ تا کنون درآمد ناخالص داخلی در سطح جهانی سه برابر شده است. این در حالی است که که نابرابری در یک سطح تاریخی است. نیروی کار فراموش شده و غالباً پنهان ثروت‌مندترین شرکت‌های جهانی فاقد امنیت شغلی‌اند و ساعات متعددی را به ازای دستمزد فقر، در شرایط ناامن یا با تولیدات ناامن کار می‌کنند.

جهان به نقطه‌ی سرریز رسیده است. ۶۰ درصد از تجارت جهانی توسط شرکت‌های بزرگ انجام می‌شود، که بدون شرم از مدلی برای کسب و کار بهره می‌گیرند که بر استثمار و سوءاستفاده از حقوق بشر در زنجیره‌ی تولید استوار است. کارگران برای شرکت‌های بزرگ، خواه در میهن خودشان خواه در خارج از آن -از آمریکا تا چین و کره یا دیگر مراکز قدرت‌مند اقتصادی- فاقد معنا شده‌اند.

سروکار ما با مدل کسب و کاری است که در آن مدیران ارشد شرکت‌های بزرگ می‌دانند سودهای حاصله‌شان حاصل دستمزدهای ناچیزی است که ادامه‌ی حیات کارگران با آن ممکن نیست؛ حاصل کار با خطر بالای ایمنی و صدمات جبران‌ناپذیر و مرگ در محل کار است؛ حاصل آلوده کردن آب و زمین و هوای پیرامون است؛ حاصل رأی‌زنی (لابی‌گری) در سطوح دولتی علیه حاکمیت قانونی است که بایست به آن حساب پس بدهند. این مدل کسب و کار مبتنی بر فاسد است.



اتحادیه‌ی اروپا

بحران مهاجران: اروپای شمالی وظیفه‌ی سنگین‌تری به عهده دارد

بی. بی. سی.، ۲۲ آوریل ۲۰۱۵

سازمان بین‌المللی برای مهاجران می‌گوید تعداد کشته‌شدگان در سه ماهه‌ی نخست امسال ۳۰ برابر کشته‌شدگان در سه ماهه‌ی نخست سال قبل بوده است. این تعداد ممکن است به ۳۰ هزار برسد.

روز چهارشنبه بیش از ۴۰۰ نفر نجات یافته به بندر اوگوستا در سیسیل آورده شدند. در همین روز پارلمان ایتالیا به خاطر فاجعه‌ی روز یکشنبه‌ی گذشته، که در جریان آن ۸۰۰ مهاجر دریایی کشته شدند، یک دقیقه سکوت کرد.

سپس متئو رنزی، نخست‌وزیر ایتالیا، خطاب به نمایندگان مجلس، گفت که خواهان آن است که درخواست‌های پناهندگی به ایتالیا توسط «یک تیم اروپایی» رسیدگی شوند و نیز این که نیاز به اقدامات بیشتری در کشورهای «مبدأ» وجود دارد.

اما فراسیسکو کریو، گزارش‌گر ویژه‌ی سازمان ملل در امور حقوق بشر مهاجران، می‌گوید: «کشورهای ثروتمند باید با پذیرش یک میلیون پناهنده‌ی سوری در خلال ۵ سال آینده موافقت کنند. تنها در این صورت است که می‌توان به رشته فجایع دریایی برای مهاجران خاتمه داد.»

او می‌افزاید: «اگر ما نتوانیم تمهیدات و مکانیسم رسمی برای پذیرش مهاجران فراهم آوریم، آنان به قاچاق‌چیان انسان رو خواهند آورد. بی‌عملی اروپا عملاً بازار قاچاق‌چیان را رونق خواهد داد.»

اتحادیه‌ی اروپا از روز دوشنبه‌ی گذشته اجرای مجموعه‌ای از اقدامات را برای کاهش بحران مهاجران در دریای مدیترانه آغاز کرده است. این اقدامات افزایش منابع مالی «فرونِتکس»، آژانس ساحلی‌ای که سرویس نجات در بخش اروپایی دریای مدیترانه را به عهده دارد، و توسعه‌ی این سرویس را شامل می‌شوند.

اتحادیه‌ی اروپا بابت محدودیت دامنه‌ی این سرویس مورد انتقاد بوده است. این سرویس در پایان سال گذشته جایگزین سرویس «نجات دریایی جامع» ایتالیا شد که دامنه‌ی وسیع‌تری داشت.

علاوه بر این، کارزار دیگری برای نابودی قایق‌های قاچاق انجام خواهد شد.



قایق در هم شکسته‌ی مهاجران دریایی در سواحل رودس

امروز کوستی اسیخوس، معاون وزیر دفاع یونان، از «قدرت‌های بزرگ» اروپا خواست که مسئولیت سنگین‌تری را در قبال بحران فزاینده‌ای که در دریای مدیترانه واقع شده است، به عهده گیرند.

ایسخوس در مصاحبه با بی.بی.سی. گفت: «به عهده‌ی کشورهای اروپای شمالی است که برای نجات و محافظت از مهاجران تعهد بیشتری بپذیرند.»

او افزود: «یونان، ایتالیا و اسپانیا در نظر دارند جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی کمیسیون اروپا را برای فردا، پنجشنبه ۲۳ آوریل، مشترکاً فراخوانند.»

در این اثنا، در نخستین ساعات صبح چهارشنبه بیش از ۵۰۰ مهاجر دریایی توسط گارد ساحلی ایتالیا نجات داده شده و به ساحل آورده شده‌اند.

در ماه‌های اخیر تعداد افرادی که می‌کوشند در قایق‌هایی که برای سفر دریایی ابداً مناسب نیستند، از جنگ، فقر و بیکاری در کشورهای خاورمیانه و آفریقا -خاصه در اریتره و سوریه- بگریزند، به میزان بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و این وضع به غرق شدن بسیاری از آنان منجر شده است.



کارگران ایران

وزارت ارتباطات دستور اجرای ماده ۸۳ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت را به شرکت مخابرات ایران داده است اما این شرکت به دلایلی نامعلوم از اجرای این ماده قانونی یاد شده سر باز می‌زند.

لازم به یادآوری است که مجلس شورای اسلامی در نشست علنی روز ۱۲ آذر ماه سال ۹۳ در ادامه بررسی طرح الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، با موافقت ۱۱۹ نماینده، شرکت مخابرات ایران را مکلف به استمرار بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی تا زمان بازنشستگی طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار کرد. قانونی که با گذشت چند ماه از تصویب و ابلاغ آن هنوز به مرحله اجرا گذاشته نشده است.

در حال حاضر بیش از ۷ هزار کارگر در نزدیک به ۹ هزار مرکز مخابرات روستایی در سراسر ایران مشغول به کارند که شمار زیادی از آنها بیمه و قرارداد ندارند و گروه دیگری از این کارگران به صورت پیمانی در این مراکز کار می‌کنند.

کارگران مخابرات روستایی طی دو سال گذشته بارها با برگزاری تجمعاتی در مقابل مجلس شورای اسلامی خواستار رسیدگی به وضعیت بیمه و قراردادهایشان شده‌اند.

تجمع کارگران "یورت شمال غرب"

در پی تعدیل ۸۰ کارگرییمانکاری معدن زغال سنگ زمستان یورت شمال غرب در آزادشهر استان گلستان، کارگران اخراجی با همراهی جمعی دیگر از کارگران در مقابل ورودی تونل شماره سه تجمع کردند.

منابع کارگری در معدن زمستان یورت گزارش کردند، در پی اقدام ناگهانی کارفرمای یکی از شرکت‌های پیمانکاری، ۸۰ کارگر با سوابق ۸ تا ۱۸ سال با ۵ ماه نیم حقوق معوقه اخراج شدند.

این تعداد کارگر با همراهی سایر همکاران پیمانی خود با تجمع در محوطه ورودی معدن خواستار بازگشت بکار خود هستند. بنا بر ادعای این کارگران اخراجی، پیش از این حدود یک هفته پیش با تصمیم مدیران مرکزی در شاهرود سمنان فعالیت تولید زغال سنگ در معدن زمستان یورت

تحول در سازماندهی وانسجام

اعتراض‌های کارگران



ایلنا:

یک هزار کارگر از استان‌های مختلف کشور به تهران آمده‌اند و در مقابل وزارت ارتباطات تجمع اعتراضی برگزار کردند.

این کارگران از استان‌های خراسان رضوی، هرمزگان، آذربایجان غربی، قزوین، کردستان، کرمانشاه، گیلان، فارس، کرمان، خوزستان، بوشهر، ایلام و سیستان و بلوچستان به تهران آمده‌اند

کارگران معترض اعلام کردند: نسبت به عدم اجرای ماده ۸۳ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت معترض‌اند.

این ماده قانونی شرکت مخابرات ایران را مکلف می‌کند با کارگران مراکز مخابرات روستایی قرارداد مستقیم منعقد کند و آنها را تا زمان بازنشستگی بیمه کند.

کارگران می‌گویند روز گذشته نمایندگان مجلس با معاونین وزیر و رییس هیئت مدیره مخابرات ایران، جلساتی را برگزار کردند اما هنوز تغییری خاصی در رویکرد شرکت مخابرات ایران نسبت به اجرای قانون مصوب مجلس دیده نمی‌شود.

به گفته یکی از تجمع کنندگان، فرار بود مدیرعامل مخابرات ایران برای ارائه توضیحات در خصوص عدم اجرای این قانون امروز به مجلس احضار شود.



اعتراض به بی‌توجهی وزارت آموزش و پرورش به استخدام آنها مقابل مجلس تجمع کردند.

به گزارش ۳۱ فروردین خبرگزاری مجلس، جمعی از مربیان نهضت سوادآموزی استان لرستان دوشنبه (۳۱ فروردین ماه) در اعتراض به بی‌توجهی وزارت آموزش و پرورش به استخدام آنها مقابل مجلس تجمع کردند.

به گفته یکی از تجمع کنندگان با وجود اینکه ۱۱ سال از مدت خدمت مربیان در نهضت سوادآموزی می‌گذرد اما هیچ اولویت استخدامی از سوی وزارت آموزش و پرورش به آنها اختصاص داده نشده است.

پنجمین روز اعتصاب کارگران نورد لوله صفا



اتحادیه آزاد کارگران ایران:

کارگران نورد لوله صفا که برای دومین بار از آغاز سال جاری از ۲۹ فروردین ماه دست به اعتصاب زده‌اند، پنجمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. این کارگران روز ۱۵ فروردین نیز بدلیل خلع وعده کارفرما در پرداخت عیدی و پاداششان در آخر سال گذشته دست به اعتصاب زده بودند که در دومین روز این اعتصاب مدیریت کارخانه با هدف از موضوعیت انداختن اعتصاب کارگران، اقدام به تعطیلی کارخانه کرد.

بنا بر گزارش‌های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در چهارمین روز اعتصاب کارگران نورد لوله صفا، مدیریت کارخانه حدود ۷۰ درصد از مبلغ عیدی و پاداش این کارگران را به حسابشان واریز کرد و از آنان خواست به اعتصاب پایان دهند اما کارگران اعتصابی این پرداخت را ناکافی دانستند و اعلام کردند تا واریز یک ماه دیگر از معوقاتشان همچنان به اعتصاب ادامه خواهند داد.

شرقی موقتاً متوقف شده و نیروی‌های شاغل در این واحد به بخش غربی انتقال داده شده‌اند. به همین دلیل با تغییرات انجام شده فعالیت کارگران پیمانکاری معدن زمستان یورت غربی محدود شد و با افزایش نیروی کار در مرحله نخست از ۸۰ نیروی کار پیمانکاری خواسته شده است محل کار خود را ترک کنند.

به گفته کارگران، علاوه بر ۸۰ کارگر پیمانکاری مدیران این معدن برای کاهش تعداد نیروی کار تصمیم به اخراج ۳۵ کارگر قرار دادی با سوابق بالای ۲۰ سال نیز گرفته بودند که با پی گیری کارگران این موضوع فعلاً معلق مانده است. همچنین حکم بازنشستگی حدود ۶۰ کارگر به تامین اجتماعی ارسال شده اما کارگران به دلیل مشکلات بیمه‌ای که در پرونده سوابق بیمه‌ای خود دارند مخالف بازنشستگی با مشاغل سخت زیان آور هستند.

کارگران معترض می‌گویند، حقوق بیش از ۶۰۰ کارگر معدن زمستان یورت شمال غرب و شرق از آذر ماه سال گذشته به تعویق افتاده است. همچنین چندین ماه است که بیمه کارگران به تامین اجتماعی پرداخت نشده و دفترچه‌های درمانی عده زیادی از کارگران فاقد اعتبار است.

براساس اطلاعاتی که توسط کارگران به ایلنا گزارش شده است، افزایش مطالبات معوقه کارگران زغال سنگ زمستان یورت در اسفند ماه سال گذشته باعث شد، حدود ۳۰ کارگر پیمانکاری خود خواسته محل کار خود را بعد از ۸ تا ۱۵ سال کار ترک کنند. این کارگران برای ادامه کار به سایر معادن در استانهای مجاور کوچ کرده‌اند.

تجمع مربیان نهضت سوادآموزی استان لرستان



تجمع مربیان نهضت سوادآموزی استان لرستان مقابل مجلس در اعتراض به بلاتکلیفی استخدامشان انجام شد.

جمعی از مربیان نهضت سوادآموزی استان لرستان در



روز ۲۳ اسفند ۹۳ یک جوان خرمشهری به نام «یونس عساکره» در اقدامی مشابه در اعتراض به جمع کردن دکه میوه فروشی خود از سوی ماموران شهرداری خرمشهر (محمیره))، خود را در مقابل ساختمان شهرداری آتش زد. وی پس از چند روز بستری روز ۲ فروردین ۹۴ در بیمارستان مطهری تهران درگذشت. پس از این حادثه شهروندان عرب ایران در چندین نوبت دست به اعتراض زدند..

بنا بر این گزارش، دیروز رانندگان سرویس و ایاب و ذهاب کارخانه نیز بدلیل عدم پرداخت مزدشان دست به اعتصاب زدند اما بدنبال واریز مطالباتشان، کار خود را از سر گرفتند.

کارگران نورد لوله صفا در حال حاضر بخشی از عیدی و پاداش و چهار ماه از دستمزدشان را دریافت نکرده‌اند.

* * * * *

دستفروش تبریزی خودسوزی کرد

* * * * *

اعتراض ۳۲۰ کارگر سیمان مسجد سلیمان

منابع کارگری در مسجد سلیمان از اعتراض ۳۲۰ کارگر کارخانه سیمان مسجد سلیمان به دلیل تاخیر در پرداخت مطالبات مزدی و به روز نشدن طرح طبقه بندی مشاغل خود خبر می‌دهند.



بر اساس اطلاعاتی که از سوی این منابع در اختیار ایلنا قرار گرفته است این اجتماع صنفی اعتراضی در داخل کارخانه سیمان کارون آغاز شده است.

در این رابطه به نقل از کارگران معترض این واحد صنعتی آمده است: از ابتدای شهریورماه تا پایان سال گذشته (۹۳) تعداد ۶۵ کارگران قراردادی سیمان کارون به بهانه اتمام قرار داد کاری اخراج شده‌اند.

کارگران می‌گویند: با وجود آنکه ۲۹ تن از این کارگران اخراجی در نهایت با وساطت مسئولان استانداری، فرمانداری، اداره کار و اعضای شورای شهر «گلگیر» به کار بازگشتند اما هنوز وضعیت شغلی این کارگران مشخص نیست.

معرتضان در عین حال مدعی هستند که در سیمان کارون بیش از ۳۲۰ کارگر رسمی، قراردادی و پیمانی مشغول به کار هستند که هر کدام از آنان از یک تا سه ماه حقوق طلب دارند.

به گفته منابع خبری ایلنا در نتیجه اعتراض صنفی کارگران سیمان کارون جلوی خروج کامیون‌های حامل بار سیمان از کارخانه گرفته شده است.

* * * * *

به گزارش «سحام» به نقل از اوپان نیوز، روز یکشنبه ۳۰ فروردین ۹۴، «حمید فرخی دیزج ملک» دستفروش آذربایجانی پس از چند روز بستری در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان سینا درگذشت. وی روز ۲۴ فروردین ۹۴ در اعتراض به جمع آوری بساطش از سوی ماموران شهرداری تبریز اقدام به خودسوزی کرده بود.

«حمید فرخی دیزج ملک» حدوداً ۴۳ ساله و پدر ۱ پسر و ۲ دختر صبح دوشنبه ۲۱ فروردین ۹۴ در آرامستان وادی رحمت تبریز به خاک سپرده شد. یکی از نزدیکان این شهروند آذربایجانی در این باره گفته، وی در منطقه بازار تبریز مشغول خرده فروشی بوده و مجوز دستفروشی را نیز از شهرداری دریافت کرده بود. او ادعا کرده حمید فرخی در اتاق یکی از مسئولان شهرداری منطقه ۸ تبریز خود را به آتش کشیده است.

چند روز پس از این حادثه، سایت خبری آناج در گزارشی درباره این حادثه نوشت: دستفروش تبریزی زمانی که مامورین اماکن شهرداری یکی از مناطق تبریز اقدام به جمع آوری بساطش کردند، برای بازپس‌گیری بساطش به شهرداری مراجعه کرد و زمانی که شهرداری از پس دادن وسایل امرار و معاش وی خودداری کرد، این شخص اول تهدید به خودسوزی و در ادامه مشاجره با ماموران شهرداری خود را در مقابل ساختمان شهرداری به آتش کشید.



ادامه اعتراض‌های کارگری در عسلویه



منابع خبری ایلنا در فازهای ۲۰ و ۲۱ منطقه ویژه عسلویه از ادامه اعتراضات صنفی کارگران پیمانکاری شرکت جهان پارس خبر می‌دهند.

براساس خبری که روز ۳۰ فروردین ماه از سوی کارگران عسلویه در اختیار ایلنا قرار گرفت، حکایت از آن داشت که اعتراض صنفی کارگران شرکت جهان پارس پس از آن آغاز شد که کارگران مطلع شدند کارفرمای آن‌ها خلع ید شده است.

براساس این اطلاعات گفته می‌شود شرکت جهان پارس گذشته از جمله پیمانکارانی بود که در اجرای نصب خطوط لوله گاز و نفت (پایپینگ) پروژه‌های فازهای ۲۰ و ۲۱ منطقه عسلویه مشارکت داشته اما در واپسین روزهای اسفند ماه سال گذشته توسط کارفرمای اصلی خلع ید می‌شود.

به گفته فعالان کارگری منطقه عسلویه در روزهای اخیر درب ورودی کارگاه‌هایی که جهان پارس در آن‌ها مجری پروژه بوده به روی کارگران بسته شده است و کارگران این شرکت با اجتماع در محوطه کمپ اقامت خواهان دریافت مطالبات معوقه خود شده‌اند.

از قرار معلوم این کارگران دست کم بابت سه ماه مزد پرداخت نشده طلبکار هستند.

تجمع کارگران لوله سازی خوزستان



کارگران لوله سازی خوزستان در اعتراض به وضعیت نامشخص مطالبات مزدی و شغلی خود تجمع کردند..

آقایار حسینی فعال کارگری در گفت‌وگو با ایلنا گفت: در حال حاضر نزدیک به ۸۰ کارگر در استخدام کارخانه لوله سازی خوزستان هستند که از این تعداد ۱۲ کارگر رسمی و حدود ۶۸ کارگر قراردادی هستند.

وی به نقل از کارگران لوله سازی خوزستان افزود: با گذشت بیش از ۱۸ ماه از وضعیت نامناسب کارخانه، کارگران بابت هشت ماه مزد سال ۹۳، عیدی و پاداش دو سال گذشته هنوز طلبکار هستند.

وی در ادامه بیان داشت: از قرار معلوم کارفرما تا این لحظه نه حق بیمه معوقه کارگران را به سازمان تامین اجتماعی پرداخته و نه با کارگران قراردادی تسویه حساب کرده است.

طبق گفته کارگران کارخانه لوله سازی اهواز به دنبال تجمعات دو روز گذشته مسئولان اداری استان وعده داده‌اند تا از طریق کمیسیون کارگری استانداری و فرمانداری به خواسته‌های آن‌ها رسیدگی کنند.

این فعال صنفی کارگری یادآور شد: بعد از تجمع کارگران شهردای اهواز و صابون سازی خرمشهر اجتماع کارگران لوله سازی خوزستان سومین تجمعی صنفی است که در روزهای اخیر در خوزستان انجام شده است



اخبار کوتاه

شهروندان اقدام به برخورد با بساط دست فروشان کردند، رخ داده است.

عدم پرداخت حقوق کارگران شرکت راه سازی اویول

حوادث کار

کارگران شرکت راه سازی اویول در مقابل کارگاه تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق عقب مانده، عیدی و سنوات خود شدند.



به گزارش سوادکوه آنلاین کارگران شرکت راه سازی اویول که در پروژه ۴ بانده شدن محور سوادکوه فعالیت دارد، در مقابل کارگاه تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق عقب مانده، عیدی و سنوات خود شدند.

در پی تعطیلی کارخانه آجر ماشینی «ورد سن»:

جان باختن یک کارگر عملیات روکش آسفالت

۵۲ کارگر «ورد سن» بیکار شدند

بر اثر برخورد خودروی ون با کارگران عملیات روکش آسفالت در لاین شمالی آزاد راه کرج- قزوین یک کارگر کشته و ۲ تن مصدوم شدند. به گزارش اردیبهشت آریا، رییس پلیس راه استان البرز گفت: این حادثه که در منطقه مهرویلای کرج رخ داد یک دستگاه خودروی ون پس از برخورد با بشکه‌های ایمنی وارد محیط کارگاهی عملیات روکش آسفالت شد و با برخورد با ۲ کارگر منجر به کشته شدن یک کارگر شد.

با تعطیلی کارخانه آجر ماشینی «ورد سن» در استان گلستان، ۵۲ کارگر با ۵ ماه حقوق معوقه بیکار شدند.

منابع کارگری در استان گلستان گزارش کردند کارخانه آجر

ماشینی «ورد سن» که در نصیر آباد استان گلستان واقع شده است از حدود یکسال پیش در زمینه فروش محصولات تولیدی خود دچار مشکل شده است و توان پرداخت به موقع حقوق کارگر شاغل در کارخانه وهزینه‌های جاری را ندارد، به همین دلیل کارفرما از یک هفته پیش با تعدیل ۵۲ کارگر، فعالیت کارخانه را متوقف کرده است.

مرگ کارگری در قم، هنگام تخریب ساختمان

درگیری دستفروشان با ماموران شهرداری

به گزارش اردیبهشت زیر آوار ماندن در هنگام تخریب ساختمان قدیمی مسکونی مرگ یک کارگر راننده زد. فریدون قاضی افسر آماده منطقه یک عملیات آتش نشانی تهران در مورد این حادثه ابراز داشت: کارگر حدوداً ۴۲ ساله‌ای در هنگام تخریب ساختمان در زیر آوار گرفتار شده بود که آتش نشانان بی‌درنگ پس از ایمن سازی محل با بکارگیری تجهیزات ویژه نجات، این کارگر را که از قسمت سر دچار جراحت شدیدی شده بود از زیر آوار خارج کرده و تحویل عوامل اورژانس دادند. وی افزود: امدادگران پس از انجام معاینات اولیه فوت وی را تأیید و اعلام کردند.

معاون امور شهری منطقه ۶ شهرداری تهران در پی بروز حادثه در میدان هفت تیر اعلام کرد: ساعت ۱۹، اکیپ معبربانان شهرداری منطقه ۶ از سوی شماری از دست فروشان شناخته شده میدان هفت تیر، با سلاح‌های سرد مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و راهی بیمارستان شدند. به گزارش سایت تهران سما، افشین خدای در تشریح این حادثه، افزود: این حادثه در پیاده راه شرقی می‌دان، زمانی که اکیپ معبربانان به منظور ساماندهی محل تردد



اطلاعیه‌ها

بیانیه تشکل‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور

قدم به قدم تا کسب مطالبات صنفی پیش خواهیم رفت



ریزش کانال فاضلاب موجب مرگ یک کارگر شد



شورای مرکزی تشکل‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور در این بیانیه با اشاره به افزایش بیش از ۷۰ درصدی بودجه برخی وزارتخانه‌ها در سال ۹۴، از رشد بودجه آموزش و پرورش کمتر از نرخ تورم انتقاد کرده است.

این شورای صنفی با یادآوری مطالبات فرهنگیان به رئیس جمهور، افزایش حقوق معلمان به بالاتر از خط فقر، بیمه تکمیلی مؤثر و بازگشت به کار معلمانی که به خاطر فعالیت‌های صنفی زندانی شده‌اند را از جمله این مطالبات اعلام کرده است.

در بخشی از این بیانیه گفته شده که ادامه رویکرد دولت قانون گریز قبل در دولت تدبیر و امید در حوزه آموزش و پرورش و عملی نشدن وعده‌های انتخاباتی رئیس جمهور، امیدها را فرو کاسته و فرهنگیان را که عموماً در زیر خط فقر به سر می‌برند، وادار به اعتراضات گسترده در اسفند ۹۳ و فروردین ۹۴ کرده است.

متن کامل این بیانیه در ادامه می‌آید:

معلم‌ها به اینکه دایم آن‌ها را با عبارات عاشقانه و ادبی تقدیس کنیم نیاز ندارند، بلکه باید مشکلات اقتصادی‌شان را حل کرد.
(دکتر روحانی، رئیس جمهور)

دوازدهم اردیبهشت «روز ملی معلم» و سالروز شهادت ابوالحسن خاندلی در اعتراضات صنفی معلمان در مقابل

ایلنا: منابع خبری در یزد از کشته شدن یک کارگر بر اثر ریزش کانال فاضلاب خبر می‌دهند.

در پی حادثه‌ای چند کارگر در عمق پنج متری کانال‌های فاضلاب در یکی از مجتمع‌های مسکونی یزد مشغول کار بودند که ناگهان بخشی از دیواره خاکی این کانال فرو ریخت و منجر به مرگ یکی از کارگران حفار شد.

روابط عمومی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری یزد در تشریح جزئیات این حادثه گفته است: این حادثه هنگامی رخ داد که چندین کارگر در عمق پنج متری کانال مشغول کار بودند که ناگهان بخشی از دیواره خاکی این کانال جدا شد و بر روی یکی از کارگران فرو ریخت.

به گفته «محمد می‌دانی» معاون عملیات سازمان آتش نشانی یزد، این حادثه در ساعت ۱۹:۰۵ دقیقه عصر دوشنبه سی و یکم فروردین ۱۳۹۴ به سامانه ۱۲۵ اعلام شده است.



مجلس شورای ملی در سال ۱۳۴۰، همچنین شهادت استاد مرتضی مطهری در سال ۱۳۵۸ را گرامی می‌داریم.

جامعه فرهنگی کشور، با توجه به عدم تغییرات مطلوب در بودجه سال ۱۳۹۳ آموزش و پرورش، منتظر اجرایی شدن وعده رئیس جمهور محترم در بودجه سال ۱۳۹۴ بودند. با وجود افزایش بیش از ۷۰ درصدی بودجه برخی وزارت خانه‌ها در سال ۹۴، رشد ۷/۱۳ درصدی بودجه آموزش و پرورش را شاهد بودیم که از نرخ تورم نیز پایین‌تر است، به این ترتیب، عملاً افزایش حقوق فرهنگیان، با کسر مقرر ماه اول، در سال ۹۴ حدود ۸/۱۲ درصد خواهد بود. ادامه رویکرد دولت قانون گریز قبل در دولت تدبیر و امید در حوزه آموزش و پرورش و عملی نشدن وعده‌های انتخاباتی رئیس جمهور، امیدها را فرو کاسته و فرهنگیان را که عموماً در زیر خط فقر به سر می‌برند، وادار به اعتراضات گسترده در اسفند ۹۳ و فروردین ۹۴ در سراسر کشور نمود.

یقیناً جامعه فرهنگی علاقمندند به وظیفه اصلی خود که تعلیم و تربیت آینده سازانی شایسته برای مملکت است همت گمارند و این حق ملت به طور اعم و حق دانش آموزان به طور اخص است که معلمانی با انگیزه، شاداب، پر انرژی و بی‌دغدغه داشته باشند. معلمان در دولت تدبیر و امید، به شکوفایی علم و دانش، در سایه فراغت از دغدغه‌های معیشتی، امید بسته بودند. اما متأسفانه در این دولت نیز رویکرد مدیران‌ای که امیدها را در حوزه تعلیم و تربیت زنده کند نمی‌بینند و از رئیس محترم دولت می‌پرسند که: چرا این دولت، همانند دولت قبل، از اجرای درست قانون مدیریت خدمات کشوری که قرار بود تبعیض‌ها را از میان بردارد طفره می‌رود و آشکارا حقوق مسلم میلیون‌ها فرهنگی و خانواده آنها را تضییع می‌کند؟ مستثنی کردن فرهنگیان از حداقل‌های ممکن، مثل مصوبه ۲۹۴۱ ت ۵۰۰۷۱ (تاریخ ۲۰/۰۱/۱۳۹۳) هیأت محترم وزیران در موضوع فوق العاده شغل و اجرای ناعادلانه و ناقص آن برای فرهنگیان، همچنین پرداخت بیش از دوازده فقره با عناوین مختلف، در فیش و خارج از فیش حقوقی سایر ادارات و محروم کردن معلمان کشور بر اساس کدام مبنای منطقی و قانونی قابل توجیه است؟

- رئیس محترم دولت در زمان انتخابات ریاست جمهوری اعلام کردند که: «حمایت از تشکلهای غیر دولتی را در دستور کار قرار می‌دهند و نگاه امنیتی به تشکلهای را از میان برمی‌دارند و...» ولی تا کنون تلاش‌ها و مراجعات نمایندگان کانون‌های صنفی به وزارت کشور برای برگزاری مجمع عمومی و انتخابات هیأت مدیره کانون‌های صنفی معلمان

حدود بیست ماه از روی کار آمدن دولت یازدهم می‌گذرد و وعده‌های رئیس محترم دولت مبنی بر رفع مشکلات معیشتی معلمان، افزایش سهم آموزشی در بودجه دولت، اصلاح جهت گیری‌های نادرست در آموزش و پرورش و... در این مدت عملیاتی نشده است. رأی اکثریت معلمان به رئیس دولت فعلی، رأی به احیای حقوق مادی و معنوی به عمد فراموش شده فرهنگیان کشور، قانون گرایی و حاکمیت عقلانیت در مدیریت کشور بود. شورای مرکزی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور، در نامه‌ای خطاب به دکتر روحانی در ۱۵ تیرماه ۱۳۹۲ وعده‌های ایشان را یاد آور شد و اعلام نمود که: «نگاه به دولت شما، با بیم و امید توأم است... و درباره اجرایی شدن یا نشدن برنامه‌هایتان پیش داورى نکرده و به خلق رویدادهای خجسته فرداها، امیدوارانه به انتظار می‌نشینیم...» امروز، فرهنگیان ایران، رئیس جمهور محترم را به بازخوانی مجدد وعده‌هایشان دعوت می‌کنند. اهم خواسته‌های فرهنگیان کشور اعم از شاغل و بازنشسته، که کاملاً روشن، قابل فهم، منطقی و قانونی می‌باشد و بارها اعلام گردیده، به شرح زیر است:

- ۱- افزایش حقوق، به بالاتر از خط فقر برای عموم فرهنگیان شاغل و بازنشسته.
- ۲- برقراری یک نوع بیمه تکمیلی مؤثر، کارآمد و فراگیر، با حق بیمه معقول و متناسب.
- ۳- بازگشت به کار همکارانی که به خاطر فعالیت‌های صنفی بازداشت شده‌اند.
- ۴- درخواست حضور دو نماینده از اعضای شورای مرکزی تشکلهای صنفی فرهنگیان سراسر کشور، در کار گروه تشکیل شده به دستور رئیس جمهور محترم، برای رسیدگی به خواسته‌های معلمان.
- ۵- اجرای اصل سی قانون اساسی، مبنی بر آموزش رایگان و پرهیز از طبقاتی کردن مدارس و خصوصی سازی آنها و بهبود و ارتقای کیفیت آموزشی و تربیتی در مدارس کشور.
- ۶- هشدار جدی نسبت به بی‌توجهی وزارت آموزش و پرورش درخصوص سیاست‌های حفاظتی از دانش آموزان در قبال آسیب‌های اجتماعی، ایجاد مکان‌های مدرن برای



اعتراضی. مرحله به مرحله خود را در دستور کار قرار داده‌اند. طبیعی است تشکلهای صنفی فرهنگیان در صورت اقدامات مثبت و عملی دولت که موجب اقناع جامعه فرهنگیان کشور گردد از ورود به مرحله بعد خودداری خواهند نمود:

۱- گردهمایی فرهنگیان سراسر کشور به مناسبت هفته معلم در روز پنج شنبه ۱۳۹۴/۰۲/۱۷

از ساعت ۱۰ صبح الی ۱۲ در محوطه ادارات کل استانها.

۲- تهیه طوماری متناسب با درخواستهای منطقه‌ای و کشوری، در گردهمایی پنج شنبه ۱۳۹۴/۰۲/۱۷ اقدام فوق اولین قسمت از اعتراضات تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور بوده و در صورت عدم دریافت پاسخ مناسب از طرف دولت، برنامه‌های اعتراضی بعدی متعاقباً اعلام خواهد شد.

در پایان لازم به ذکر است، ما راه گفتگوی با دولت را همچنان باز می‌دانیم و هر دستی که برای رفع تبعیض در حقوق مادی و معنوی فرهنگیان کشور برآید به گرمی می‌فشاریم. طبیعی است در صورتی که رویکرد دولت، منطبق با مسیری که رئیس جمهور محترم در هنگام انتخابات ریاست جمهوری اعلام کردند باشد، فرهنگیان کشور با جان و دل برای تحقق آنها قدم برخواهند داشت.

اندیشه

نمایش نامه ای تکراری به نام هفته کارگر در "ج.ا.ا"

کارگران بیشتر از آنکه به مساعدت دولت برای برگزاری مراسم هفته کارگر نیاز داشته باشند خواستار قاطعیت دولت برای حل مشکلات صنفی خود هستند.

«عزیزه شریفی» نماینده کارگران کارخانه کاشی ایرانا با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: صرف تیریکاتی که هر سال در هفته کارگر از جانب مقامات دولتی به طرف کارگران جاری می‌شود کافی نیست و مادامی که دولت برای بهبود مسائل معیشتی کارگران اقدامی نکند این تیریکات بر جامعه کارگری تاثیر منفی برجای خواهند گذاشت.

بدون نظارت استصوابی، بی‌پاسخ مانده است. چرا وزارت کشور مسیری متفاوت از سیاست‌های اعلام شده رئیس جمهور محترم را طی می‌کند؟ در این بین آنچه برای معلمان کشور قابل پذیرش نیست، این است که رئیس جمهور محترم حتی واکنشی آشکار به اعتراضات صنفی معلمان کشور و نیز درخواست دیدار نمایندگان صنفی با ایشان، نشان نداده است.

همچنان که بر همگان روشن است، صدا و سیما این مملکت رویکردی متفاوت با دولت و نیز جامعه فرهنگیان کشور را دنبال می‌کند. سوال این است که مسئولان وزارت آموزش و پرورش، وزیر و معاونان ایشان با چه هدفی اقدام به مصاحبه با صدا و سیما در خصوص پرداخت طلب‌های پیشین فرهنگیان و نیز افزایش قطره چکانی حقوق معلمان می‌کنند؟ همچنین چرا مواردی نظیر لایحه نامعقول رتبه بندی را که به شدت مورد انتقاد فرهنگیان کشور است و موعد اجرای آن شش ماه بعد اعلام شده است، رسانه‌ای می‌کنند؟ این همسویی وزارت آموزش و پرورش و صدا و سیما در تخریب وجهه معلمان در نزد مردم و زیاده خواه جلوه دادن آنها و فروکاستن خواسته اصلی آنها که برقراری عدالت در پرداخت حقوق و مزایا است، مورد اعتراض شدید فرهنگیان کشور است.

در سال‌های گذشته بسیاری از نمایندگان مجلس، در برابر هر ستمی در حق فرهنگیان سکوت معنادار و جانبدارانه از دولت قانون‌گیز قبل را در پیش گرفته بودند، همچنین با بی‌توجهی به درخواست‌های گسترده فرهنگیان کشور به آقای نجفی رأی اعتماد ندادند، درحالی که هم اینک با دستاویز قرار دادن تبعیض در حقوق و مزایا بین فرهنگیان و سایر کارکنان دولت به میدان آمده و در صد احیای وجهه خود برای انتخابات و حاکمیت جریان‌های سیاسی خود در مجلس آینده هستند. البته در این میان، حساب نمایندگانی که صادقانه از حقوق فرهنگیان دفاع کرده‌اند جدا و در نزد معلمان کشور محفوظ است.

کانون‌های صنفی معلمان فارغ از دغدغه جناح بندی‌های سیاسی نمایندگان مجلس، حقوق پایمال شده مادی و معنوی فرهنگیان کشور را مطالبه می‌کنند و رویکردهای سیاسی کارانه، در خصوص مشکلات جامعه فرهنگیان را محکوم می‌کنند. بدیهی است که ما به هیچ وجه اجازه نخواهیم داد، حق و حقوق معلمان کشور وجه‌المصالحه نمایندگان مجلس و دولت قرار گیرد. بر این اساس و علیرغم میل باطنی، فرهنگیان کشور، اولین قسمت از اقدامات



صدای کارگر

اخراج کارگران شدت گرفته است

کارفرمایان در پی افزایش ناچیز حقوق کارگران، آن‌ها را اخراج می‌کنند.

کارخانه شیشه عدل واقع در شهرک صنعتی شکوهیه قم در سال گذشته با ۱۷ کارگر مشغول فعالیت بود که در اول سال امسال ۴ تن از کارگرانش را اخراج کرد.

کارخانه شیشه فدک واقع در شمس آباد قم از ۴۵ کارگر سال گذشته ۶ تن را اخراج کرده است.

کارخانه شیشه شفق واقع در شمس آباد قم ۸ کارگر از ۵۰ کارگر خود را امسال نپذیرفت و آنان را راهی اداره کار برای دریافت بیمه بیکاری نمود.

کارخانه شیشه جام گستر واقع در گلدسته چهار دانگه جاده ساوه از ۱۷ کارگر خود ۵ تن را اخراج کرده است. این ۵ کارگر در سالن رنگ مشغول بکار بودند که به دلیل کمی حقوق در سال کارخانه را به اعتصاب کشانده بودند.

کارخانه شیشه رخشان واقع در عباس آباد گرمسار هم تعطیل کرده و کارفرمایش دلیل تعطیلی را هزینه‌های بالای برق، آب، گاز و تلفن اعلام کرده‌است این کارخانه ۳۵ کارگر داشت.

به این ترتیب کارخانه‌های بالا بطور متوسط از هر ۴ کارگر خود در سال گذشته یکی را اخراج کرده‌اند.



نماینده کارگران کاشی‌ایرانا افزود: اکنون سالهاست که مسئولان دولتی سعی می‌کنند تا تنها بصورت نمادین در مراسم‌هایی که به نام هفته کارگر برگزار می‌شود مشارکت کنند و چه بسا اصرار بر ادامه این وضعیت باعث دلسردی کارگران شود.

وی افزود: روز کارگر تنها روزی از سال است که در آن کارگران از طریق برگزاری تجمع و راهپیمایی خواسته‌های صنفی خود را مطرح می‌کنند و برای همین است که قانون کار این روز را به عنوان روز تعطیل عمومی کارگران اعلام کرده است.

شریفی گفت: اینکه بدون دادن اجازه برگزاری تجمع و راهپیمایی بیانند به مدت یک هفته برای گرامی داشت کارگران برنامه ریزی کنند کافی نیست و کارگران احساس می‌کنند حتی به اندازه یک روز در سال نیز فرصت بیان خواسته‌های قانونی خود را ندارند.

مسئول نهاد صنفی کارگران کاشی ایرانا گفت: کارگران در طول سال در زمینه مسائل مختلف بیمه‌ای، مزدی و معیشتی به گرفتاری‌های جدی دچار می‌شوند و حداقل برگزاری مراسم روز جهانی کار تنها فرصتی است که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا اعتراض جدی خود را اعلام کنند



اقتصاد ملی

موج بازگشت سالمندان به بازار کار



شرایط نامناسب اقتصادی، امید به زندگی و نواقص نظام تامین اجتماعی؛ سه علت عمده‌ای است که شرایط بازگشت سالمندان به بازار کار و رقابت آن‌ها با جوانان برای کسب یک موقعیت شغلی را پس از ۶۵ سالگی ایجاد کرده است.

به گزارش خبرنگار مهر، یکی از مسائل فعلی بازار کار ایران این است که درصد قابل توجهی از افراد پس از دوران اشتغال و رسیدن به سن بازنشستگی، تمایلی به خروج از این بازار ندارند و به دلایل نگرانی‌هایی که دارند اغلب تلاش می‌کنند تا در فضای اشتغال کشور باقی بمانند.

کارجویان جوان می‌گویند ادامه اشتغال به کار سالمندان با توجه به مزایایی که اشتغال آن‌ها می‌تواند برای کارفرمایان به همراه داشته باشد باعث ایجاد نوعی رقابت تقریباً نابرابر بین آن‌ها برای کسب یک موقعیت شغلی شده است.

به عقیده جوانان جویای کار، بازنشسته‌ها دست کم این امتیاز را می‌توانند نسبت به آن‌ها برای کارفرمایان داشته باشند که علاوه بر تجربه کاری، نیازی به بیمه ندارند و ممکن است با حقوق و مزایای کمتری نیز مشغول به کار شوند.

طی یک دهه اخیر اشتغال دوباره بازنشستگان در برخی بخش‌ها باعث شده تا درصدی از موقعیت‌های شغلی از جوانان گرفته و در اختیار افرادی قرار بگیرد که احتمالاً یک دوره ۳۰ ساله را در بازار کار کشور حضور داشته‌اند و حالا باید جای خود را به جوان‌ترها بدهند. افزایش بازگشت سالمندان به بازار کار وزارت کار در تحلیلی وزارت کار در تحلیلی به چرایی بازگشت بازنشستگان به بازار کار و عدم تمایل آن‌ها به خروج از شرایط شغلی پرداخته است. وزارت کار معتقد است با وجود کاهش میزان اشتغال سالمندان ایرانی نسبت به دهه‌های قبل شاهد حضور فعال آنان در فعالیت‌های اقتصادی هستیم.

ادبیات کارگری



به نقل از کانون متحد کارگری

آنان ابتدا چراغ‌هایمان را دزدیدند

وقتی تاریکی بر ما مسلط شد

آنگاه با مناسکی که بوی خون می‌داد

بر ما هجوم آوردند و غارتمان کردند

آن حرامیان

گرسنگی را که بر چهره‌مان دیدند

هلهله زنان جشن گرفتند و به هم تبریک گفتند

آنگاه در برابر هر تکه نان خشک

که برایمان پرتاب می‌کردند

دستان خون آلودشان را

برای بوسیدن

به لب‌های ما می‌رساندند

و بدین سان

راممان کردند

آن حرامیان

بی‌آنکه بدانند

رام شدگان امروز

تیز چنگالان فردایند



روستایی بالاتر از مناطق شهری و در مردها بیشتر از زنها بوده است.

میزان مشارکت اقتصادی سالمندان زن در مناطق شهری و روستایی طی سالهای مورد بررسی کمتر از ۶ درصد است. میزان مشارکت اقتصادی سالمندان زن در مناطق شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۵۵ روند کاهشی داشته، اما این مشارکت در سال ۹۰ افزایش یافته است.

بر پایه این گزارش، نتایج سرشماری سال ۹۰ نشان می‌دهد نرخ بیکاری سالمندان ۰.۹۷ درصد بوده که این نسبت برای سالمندان مرد و زن به ترتیب برابر ۱.۱ و ۱۱ درصد بوده است. در همان سال نرخ بیکاری سالمندان در مناطق شهری بیش از روستایی و در مردها بالاتر از زنها است.

نتایج بیانگر افزایش نرخ بیکاری سالمندان از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ است و پس از آن با روند کاهشی از ۱۶.۸۲ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۰.۹۷ درصد در سال ۹۰ رسیده است. همین وضعیت در مناطق شهری نیز مشاهده شده است. اما نرخ بیکاری سالمندان روستائین در تمامی سالهای مورد بررسی روند کاهشی داشته است. نرخ بیکاری سالمندان در سال ۱۳۶۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در زنان بیشتر از مردان است.

معضل بیکاری در سالمندی

مشارکت سالمندان در فعالیتهای اقتصادی ممکن است اختیاری و به واسطه تمایلات روانی و اجتماعی و یا بر اساس نیازهای مادی باشد. مشارکت داوطلبانه سالمندان در فعالیتهای اقتصادی عدم سرباری سالمندان و نشاط و پویایی آنان را به ارمغان خواهد داشت، اما مشارکت آنان در فعالیتهای رفع نیازهای اقتصادی ممکن است عدم رضایت آنان را در پی داشته باشد. همانطور که گفته شد در سال ۹۰ به میزان ۲۱.۱۵ درصد از سالمندان از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند. ۰.۹۷ درصد آنان جویای کار و بنابراین حدود ۹۹ درصد آنان شاغل بوده‌اند.

در سال ۹۰ تقریباً ۷۲ درصد از این شاغلان در بخش کشاورزی و ۲۵ درصد از آنان در بخش‌های صنعت و خدمات مشغول به فعالیت بوده‌اند. در حقیقت سهم سالمندان شاغل در بخش صنعت کمتر از سایر کارگروه‌ها و ۰.۷ درصد است. نسبت سالمندان شاغل در بخش کشاورزی در سال ۹۰ در مناطق روستایی تقریباً ۲ برابر مناطق شهری است. طبق نتایج سرشماری، نسبت سالمندان شهری و روستایی شاغل در بخش کشاورزی در زنان بالاتر از مردان و نسبت

شرایط نامطلوب اقتصادی، عدم وجود نظام جامع تامین اجتماعی، نواقص سازمان‌های بازنشستگی و... به ویژه در مناطق روستایی موجب شده است که بسیاری از سالمندان بعد از رسیدن به سن بازنشستگی به دنبال شغل جدید باشند.

یکی از پیامدهای این مسئله تضاد میان نسل جوان و سالمند در زمینه اشتغال است.

سالمندان به دلیل شرایط نامطلوب اقتصادی ناچار به حضور در بازار کار هستند و از سویی جوانان، سالمندان را به چشم اشغال کنندگان فرصت‌های شغلی خواهند دید که این امر تبعات اجتماعی، روانی و فرهنگی برای جامعه به همراه خواهد داشت.

هر چند به نظر می‌رسد سالمندی زمان بازنشستگی و استراحت است، لیکن نتایج نشان می‌دهد ۲۱.۱۵ درصد از سالمندان در سال ۹۰ (آخرین سرشماری رسمی کشور) در فعالیتهای اقتصادی مشارکت داشته و یا خواهان مشارکت هستند. میزان مشارکت اقتصادی سالمندان در سال ۹۰ در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۱۳.۲۵ و ۳۷.۳۱ درصد بوده است.

نتایج بیانگر آن است که میزان مشارکت اقتصادی سالمندان در سال ۹۰ در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری و در مردها بیشتر از زن هاست.

در مناطق روستایی به دلیل اینکه تعداد افراد بیمه شده دارای حقوق بازنشستگی از مناطق شهری کمتر هستند، افراد مجبورند تا سن بالاتری فعالیت اقتصادی داشته باشند.

فعالیت اقتصادی مردان بازنشسته ۷ برابر زنان

بر اساس نتایج سرشماری سال ۹۰ میزان مشارکت اقتصادی مردان سالمند در سال ۹۰ تقریباً ۷ برابر میزان مشارکت اقتصادی زنان سالمند است. نتایج سرشماری سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد میزان مشارکت اقتصادی سالمندان از ۲۱.۸۱ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۱.۱۵ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. در عین حال، میزان مشارکت اقتصادی سالمندان طی سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۷۵ روند کاهشی داشته است. به علاوه در تمامی سال‌های مورد بررسی میزان مشارکت اقتصادی سالمندان در مناطق



۷- نرخ مشارکت اقتصادی افراد بالای ۶۵ ساله در ایران نسبت به کشورهای دارای نظام تامین اجتماعی و سیستم بازنشستگی قابل اتکا تا ۱۰ برابر بالاتر است و این بیانگر بازگشت سالمندان ایرانی به بازار کار به دلیل ضعف سیستم بازنشستگی است.

۸- ۷۲ درصد از کل شاغلان بالای ۶۵ سال کشور در بخش کشاورزی و ۲۵ درصد نیز در بخش‌های صنعت و خدمات مشغول به فعالیت هستند.

۹- با وجود بالاتر بودن نرخ مشارکت اقتصادی بازنشسته‌ها در شهرها نسبت به روستاها، اما دوره باقی ماندن شاغلان بازنشسته در بازار کار در روستاها بیشتر از شهرها است.

۱۰- به طور کلی نواقص تامین اجتماعی و شرایط نامطلوب اقتصادی باعث شده تا بسیاری از بازنشسته‌ها پس از سن ۶۵ سالگی نیز به دنبال کار باشند و این مسئله در روستاها بیشتر از شهرها است.

سالمندان شهری و روستایی شاغل در بخش صنعت و خدمات در مردان بیشتر از زنان است. همچنین نسبت سالمندان شاغل در بخش کشاورزی از ۶۰٪ در ۱۱ درصد در سال ۵۵ به ۷۲٪ در ۰۹ درصد در سال ۹۰ رسیده است. این نسبت در مناطق شهری با روند افزایشی از ۱۹٪ در ۰۳ درصد در سال ۵۵ به ۴۴٪ در ۹۵ درصد در سال ۹۰ رسیده است. به علاوه این نسبت در مناطق روستایی از ۸۳٪ در ۳۹ درصد در سال ۵۵ به ۹۱٪ در ۹۵ درصد در سال ۹۰ رسیده که روند آن طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۰ افزایشی بوده است.

نسبت سالمندان شاغل در بخش صنعت از ۱۵٪ در ۹۰ درصد در سال ۵۵ به ۷٪ در ۰۷ درصد در سال ۹۰ رسیده که طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۹۰ روند کاهشی داشته است، اما نسبت سالمندان شهری شاغل در بخش صنعت با روند کاهشی از ۲۶٪ در ۷۵ درصد در سال ۵۵ به ۱۲٪ در ۷۳ درصد در سال ۹۰ رسیده است.

۱۰ واقعیت از بازار کار بازنشسته‌ها

۱- نرخ مشارکت اقتصادی مردان ۶۵ ساله و بیشتر تقریباً ۷ برابر زنان در این گروه سنی است.

۲- ۳ درصد بازنشستگان معادل ۹۰۰ هزار تن در بخش عمومی اقتصاد هستند که از سوی دولت دعوت به کار شده و دارای مشاغل قانونگذاری، مقامات عالی رتبه، مدیران و متخصصان هستند.

۳- بیش از ۹۰ درصد بازنشسته‌ها در بخش خصوصی هستند که یا از قبل بوده و ادامه می‌دهند یا تازه وارد شده‌اند که بخشی بدون حقوق و دستمزد فعالیت می‌کنند که این موضوع نشان دهنده امید به زندگی و عدم تمایل به خانه نشینی و حس مفید بودن در سالمندان است.

۴- ۷٪ درصد بازنشسته‌ها حقوق بگیر هستند که نشان دهنده ناچاری برای کمک به وضع اقتصادی خانواده و تمایل به حضور در جامعه است.

۵- درصد پایین حقوق بگیری بازنشسته‌ها و سالمندان نشان می‌دهد حتی در صورت خروج آن‌ها از بازار کار، تاثیر شگرفی در نرخ بیکاری جوانان ایجاد نخواهد شد.

۶- تمایل زنان بازنشسته با حضور در فعالیت اقتصادی در حالی که در فاصله سال‌های ۵۵ تا ۸۵ رو به کاهش بود در سال ۹۰ به یکباره به ۲ برابر افزایش یافته است.

یادداشت

سیر صعودی تعطیلی کارخانه‌ها

و تهی‌تر شدن سفره کارگران

شهناز نیکوروان

کانون مدافعان حقوق کارگر

وضعیت اقتصادی و اجتماعی ایران به سمتی می‌رود که یک فروپاشیدگی اقتصادی در آن مشهود است. از زمان شروع جنگ ایران و عراق اقتصاد ایران بیشتر گرایش به سنت اقتصاد بازاری یا واسطه‌گری داشته، این دلال منشی که ساده‌ترین نوع فعالیت اقتصادی است تمامی ابعاد اقتصاد جامعه را در بر گرفته است و بر همین اساس است که امثال بابک زنجانی و گروه پدیده شاندریز در مدت کوتاهی می‌توانند به چنین ثروتی دسترسی پیدا کنند. گزارش زیر نشان می‌دهد که اقتصاد تولیدی ما چگونه در دو دهه گذشته هر روز ضعیف‌تر شده است و نفس‌های آخر خودش را می‌کشد و نیاز به یک جراحی عمیق دارد.



از کشور این کمک‌ها را دریافت می‌کنند، را نمی‌شود پذیرفت زیرا تا به امروز یک گزارش علمی و مستند وجود ندارد که چه تعداد ایرانی از دهه شصت به این سو ایران را ترک کرده‌اند و باید این اظهارات را حمل بر بازی‌های سیاسی میان رقبای درون حکومت گذاشت. همانطوری که شاید میلیون‌ها ایرانی در داخل نیز این کمک را دریافت نکنند ولی واقعیت این است که در نبود درآمد کار همین کمک ناچیز شاید بخش مهمی از زندگی میلیون‌ها انسان را تامین کند.



گزارش منتشره شده بانک جهانی از وضعیت اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ قابل توجه می‌باشد. پرداختن به شرایط اسفبار حاکم بر اقتصاد خانوارهای کارگری و مزدبگیر با توجه به این گزارش زوایای مختلفی از ابهامات و چرایی وضعیت هولناک زندگی مردم در ایران را روشن می‌کند.

بانک جهانی در حالی که اعلام می‌کند: ایران دومین اقتصاد بزرگ در منطقه شرق میانه (خاورمیانه) و شمال آفریقا پس از عربستان سعودی است، تولید ناخالص داخلی

(۳۶۶GDP)

میلیارد دلار در ۱۴-۲۰۱۳ تخمین زده می‌شود. ایران همچنین پس از مصر از نظر جمعیت دومین کشور منطقه، با حدود ۷۷ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۳ است. اقتصاد ایران شامل یک بخش بزرگ هیدروکربن (نفت و گاز)، بخش‌های کوچک کشاورزی و خدمات است و حضور دولت در تولید و خدمات مالی قابل توجه و مشخص می‌شود. ایران در ذخایر گاز طبیعی در رتبه دوم در جهان و رتبه چهارم در ذخایر نفت خام است. تولید ناخالص داخلی و درآمد دولت هنوز هم تا حد زیادی به درآمدهای نفتی بستگی دارد و بنابراین اساساً بی‌ثبات می‌باشد.

این گزارش همچنین اشاره به کاهش تحریم‌ها به دنبال توافق ایران با گروه ۱+۵ دارد که منجر به افزایش صادرات و قدرت خرید مصرف‌کنندگان (مردم) خواهد شد و همچنین افزایش نرخ بیکاری که سالانه ۷۵۰ هزار جوان به لشکر بیکاران افزوده می‌شود. البته باید توجه کنیم که بخشی از اطلاعات گزارش بانک جهانی منتج از گزارش‌های دولت ایران است و استناد به آن‌ها صرفاً جهت مقایسه می‌باشد ولی با توجه به همین گزارش می‌بینیم که به رغم درآمد و منابع انرژی موجود در ایران وضعیت اقتصادی جامعه در شرایط بسیار هولناکی قرار دارد که هر روز بیشتر گلوی افشارکم درآمد و مزدبگیر را می‌فشارد.

سیاست‌های بانک جهانی پول مشوق و حامی چنین اقتصادی بوده است. گزارش‌ها و آمارهای نهادهایی مانند

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی حتی در متد سرمایه‌داری و مستقلانه نیست و در بسیاری از موارد رونوشتی از گزارش‌های اداره آمار ایران است و می‌خواهد نشان دهد وضعیت اقتصاد ایران بد نیست زیرا نقدینگی زیادی وجود دارد اما اسناد آماری موجود در ایران با کمی دقت نشان می‌دهند که کمی پشت کپی هر سال قبل با تنها تغییر آمار و ارقام اقتصادی بدون پشتوانه علمی بررسی و آماری است.

پیاده شدن هدفمند کردن یارانه بنا به ادعای دست اندرکاران حکومت در دل تحریم‌های اقتصادی و وارد نشدن مواد اولیه به کارخانجات ضربه سنگینی وارد کرد در حالی که افزایش قیمت هزینه‌های انرژی گسترش واردات بی‌رویه و ارزان قیمت کالاهای بنجل روسی، چینی و هندی به جای سرمایه‌گذاری در تولید و تولید شغل برای میلیون‌ها جوان که سالانه با هزینه هنگفت دانشگاه‌های خصوصی و دولتی به امید یافتن کار فارغ التحصیل می‌شوند کار را بیجایی رسانده که ما هر روز شاهد بدتر شدن اقتصاد هستیم.

متأسفانه اقتصاد ضربه سنگینی خورده است و در نبود متخصصان واقعی و خروج سالانه بیش از ۱۵۰ هزار نیروی متخصص از کشور دردی است بس گران.

این نوشته سعی بر این دارد که گوشه‌ای از این واقعیت را نشان دهد. بحث بر سر هدفمند کردن یارانه‌ها در جایی که ده‌ها میلیون تن در نبود شغل و نداشتن درآمد به این کمک وابسته شده‌اند کاری است نه چند ساده ولی همانطوری که در دوران‌هاشمی نمی‌توانستند و شجاعت پیاده کردن این طرح را نداشتند، پیدا کردن راه‌حل برای این کمک‌ها شجاعت بیشتری می‌طلبد. اما توجه به یک نکته ضروری است آنجایی که دولت می‌گوید ۰.۴ میلیون ایرانی در خارج



مشکل توقف فعالیت کارخانه‌ها به تامین نقدینگی مربوط است. همچنین بخشی از این صنایع نیز به دلیل مشکل بازار فروش و اختلاف با شرکا تعطیل شده‌اند.

خبرگزاری مهر در گزارش استانی خود به وضعیت صنعت استان‌ها اشاره کرده و می‌نویسد:

مشکلات متعدد در حوزه صنعت و تولید کشور موجب رکود و تعطیلی بسیاری از واحدهای صنعتی و کارخانجات شده است تا قطب صنعت ایران سقوط کند و بسیاری از استان‌ها شاهد رکود و تعطیلی در بخش تولید باشند، موضوعی که موجب عقیم شدن فرصت‌های اشتغالزا در بحبوحه بحران بیکاری در کشور شده است.

معاون وزیر صنعت: از ۸۵۰ شهرک صنعتی متعلق به بانک‌ها، ۷۲۰ مورد آن تعطیل است. سیدابریشمی در گفتگو با «نسیم» افزود: بانک‌ها چرخه صنعتی شهرک‌های صنعتی را متوقف کرده‌اند.

از طرفی بررسی گزارش سازمان آمار در رابطه با کارگاه‌ها و صنعت کشور بسیار تکان دهنده است گرچه باز هم تاکید می‌شود که این آمار پایه و اساس علمی ندارد و باید اوضاع خیلی خراب‌تر از این باشد اما حتی این آمارها نیز اشاره به بحرانی که روز به روز زندگی کارگران و حقوق بگیران را به ورطه هولناک فقر و گرسنگی می‌کشاند دارد.

نتایج طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی با پرسنل ۵۰ تن و بیشتر سال ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ تعداد ۴۴۸۱ کارگاه صنعتی با تعداد ۵۰ پرسنل و بیشتر در کشور به فعالیت صنعتی اشتغال داشته‌اند که نسبت به سال قبل ۴/۲ درصد کاهش نشان می‌دهد.

اقتصاد تولیدی و صنعتی ایران هر روز بیشتر از گذشته سیر نزولی پیدا کرده و به سمت اقتصاد دلالی و مالی حرکت می‌کند، اقتصادی که تنها به منافع بازار اهمیت می‌دهد و معیشت مردم و آینده اقتصاد کشور در آن از هیچ جایگاهی برخوردار نیست. این سیر رو به افزایش هر روزه منجر به تعطیلی کارخانه‌ها و بیکاری روزافزون کارگران می‌شود.

بحث پیرامون دلایل تعطیلی کارخانه‌ها و اقتصاد طفیلی‌گری حاکم بر ایران نیازمند بررسی عوامل متعددی است از جمله میلیتاریزه شدن اقتصاد کشور، واردات بی‌رویه و عدم حمایت از صنایع داخلی، فرسودگی سیستم تولید کشور به علت کمبود منابع مالی و خصوصی‌سازی و حیف و میل منابع مالی حاصل از خصوصی‌سازی و فساد گسترده اداری و..

کمال الدین پیرموزن، عضو کمیسیون صنایع مجلس سال گذشته اعلام می‌کند: ۵۰ درصد کارخانه‌ها تعطیل شده‌اند. ۵۰ درصد دیگر نیز بر اساس ادعای دولت نیمه فعال یا زیان ده می‌باشند. معاون وزیر صنعت در مصاحبه با ایسنا می‌گوید:

۱۴ هزار کارخانه در ایران تعطیل شده است. به گزارش ایسنا، وی توضیح داد که کار این تعداد واحد صنعتی طی ۱۵ سال اخیر متوقف شده‌است که اکثر آن‌ها بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ اتفاق افتاده است.

معاون وزیر صنعت ایران در همین روز در گفت‌وگو با خبرآنلاین نیز در این مورد توضیح داده و افزود: «همچنین ۲۲ هزار واحد صنعتی با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد کار می‌کنند. ۲۴ هزار واحد صنعتی هم با ظرفیت ۵۰ تا ۷۰ درصد به کارشان ادامه می‌دهند.

معاون وزیر صنعت همچنین به تملک واحدهای صنعتی توسط بانک‌ها نیز اشاره کرده و گفت: «در مجموع ۸۱ هزار واحد صنعتی در شهرک‌های صنعتی فعالیت می‌کنند. از این مجموع ۱۰۰ واحد صنعتی به دلیل مشکلاتی مانند عدم پرداخت بدهی‌ها توسط بانک‌ها تملیک شده‌اند. همچنین ۷۰ درصد از واحدهای صنعتی که ورشکسته یا متوقف شده‌اند در سال‌های بین ۸۴ تا ۹۲ به این وضعیت رسیده‌اند.

او بیان داشت: «تحقیقات ما نشان می‌دهد ۷۰ درصد



یک، نورد پروفیل ساوه در رابطه با فعالیت‌های مبارزاتی برای حقوق کارگران اخراج شده‌اند.

اگر نگاهی به آمار کشته شدن کارگران در حوادث در محیط کار مانند معدن مهبیار، کارگران ساختمان سازی اصفهان و عسلویه و سایر محیط‌های کار بیندازیم شاهد اعتراضات کارگران به این شرایط سختی که باعث کشتن شدن همکارانشان در محیط کار می‌شود خواهیم بود.

روحانی در زمان انتخابات برای گرم کردن تنور انتخابات به مطرح کردن مشکلات اقتصادی مردم پرداخت به گونه‌ای که گویا هم در جریان تمام مشکلات و مسائل بغرنج جامعه و مردم هست و هم کلید حل‌اش را در دست دارد.

درحالی که به خوبی می‌بینیم برخلاف وعده‌های انتخاباتی هیچگونه برنامه یا اقدامی به طور عملی در جهت رفع مشکلات و یا منافع مردم صورت نگرفته است با نگاهی تنها به بخش اقتصادی برنامه‌های ارائه شده دولت یازدهم به مجلس می‌توان آن‌ها را بعد از دوسال با شرایط سخت حاکم بر زندگی مردم مقایسه کرد تا ببینیم که این‌ها شعارهایی بیش برای جامعه بحران زده ایران نبود....

بررسی تعداد کارگاه‌های صنعتی ۵۰ کارگر و بیشتر در استان‌های مختلف کشور مبین این مطلب است که در سال ۱۳۹۰ از کل این کارگاه‌ها ۷۷/۱۸ درصد در استان تهران ۲۳/۱۲ درصد در استان اصفهان ۲۹/۷ درصد در استان خراسان رضوی و بقیه کارگاه‌های صنعتی ۵۰ تن شاغل و بیشتر در سایر استان‌های کشور به فعالیت صنعتی اشتغال داشته‌اند.

اما در این میان لازم است اشاره‌ای به وعده‌های انتخاباتی دولت‌ها در هر دوره و به خصوص دولت یازدهم داشته باشیم. (گرچه خوشبختانه تشکلهای مستقل کارگری در تمامی سال‌ها شرکت در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری را توهم به تغییر ارزیابی کرده‌اند. درحالی که شرکت در انتخابات از نظر رفرمیست‌ها مثبت ارزیابی می‌شود.) وعده‌های انتخاباتی مانند نوشته‌ای بر روی یخ می‌مانند و معمولا بعد از انتخابات شکست برنامه یا به دولت قبل یا به عوامل خارجی نسبت داده می‌شود. یکی از وعده‌های انتخاباتی دولت یازدهم دربخش اقتصادی این است: «همین کارخانه‌های موجود در کشور اگر به جای ۲۰ درصد توان یا ۶۰ درصد توان کار کنند، بخش عظیمی از مشکلات اشتغال‌زایی در کشور برطرف می‌شود.»



ادامه دارد

حدود دوسال از عمر دولت جدید (دولت یازدهم) می‌گذرد اما نه تنها به هیچ کدام از وعده‌هایش در رابطه با کارگران و مزدبگیران عمل نکرده بلکه هر روز شاهد بیکاری، قراردادهای ضدکارگری، تعطیلی کارخانه‌ها، حقوق‌های معوقه طولانی مدت کارگران، اعتصاب، اخراج، دستگیری و زندانی کردن نمایندگان و فعالین کارگری هستیم. زمانی که در میزگردهای انتخاباتی ادعا می‌کردند ما حق تشکل را به رسمیت می‌شناسیم تنها گروه‌هایی خوشحال می‌شدند که از بخشی از این خوان نعمت استفاده می‌کردند. چرا که براساس آمار تنها سایت ایلنا و سایت‌های تشکلهای مستقل کارگری در یکسال گذشته تنها بیش از ۵۳ تن دستگیر و صدها تن به دادگاه احضار و صدها کارگر در مراکزی مانند ذوب آهن اردبیل، معدن کوشک، کشتارگاه مرغ زربال، واگن پارس، معدن طلای آق‌دره، شرکت یک و